

سراب ازدواج در دوستی‌های اینترنتی

همدیگر را می‌بینند و در یک نگاه دل‌باخته می‌شوند. خودشان اسم این حس را عشق می‌گذارند و خانواده‌هایشان دام. به امید فردای قشنگ و زندگی مشترک قشنگ‌تر قدم در مه‌لکه‌ای می‌گذارند که بعدها دامن‌گیرشان می‌شود.



همدیگر را می‌بینند و در یک نگاه دل‌باخته می‌شوند. خودشان اسم این حس را عشق می‌گذارند و خانواده‌هایشان دام. به امید فردای قشنگ و زندگی مشترک قشنگ‌تر قدم در مه‌لکه‌ای می‌گذارند که بعدها دامن‌گیرشان می‌شود.

از پدر و مادرشان می‌ترسند و حرفی به آنها نمی‌زنند. اگر هم حرفی بزنند فایده‌ای ندارد. پدر و مادرشان یک مشت نصیحت تحویلشان می‌دهند که به درد این نوجوانان نمی‌خورد. آنها چیزی بیشتر از یک نصیحت می‌خواهند. چیزی مثل یک دوست، رفیق، همراه و همپا که گوش دهد و قضاوت نکند که رفاقت کند و مشورت دهد. داد و هوار راه نیندازد و با صبر درکشان کند. آنها نوجوانند. جوانند. کودک نیستند. نگاهیان نمی‌خواهند. پدر و مادرها هم حق دارند. می‌ترسند. از دیگران. از هزاران فردی که بر سر راه فرزندانشان نشسته‌اند تا آنها را به راهی بکشند که نباید و تشویقشان کنند به عملی که شایسته نیست. می‌ترسند از دوستی‌های بی‌سر و ته. دوستی‌های نافرجام. دوستی‌های خیابانی و اینترنتی.

ممکن است در مواردی، زندگی‌های مشترک خوب و شادی هم در آینده این دوستی‌ها باشد، اما آمار نافرجام و ضربه روحی که از این روابط بر جوانان وارد می‌شود بسیار زیادتر است. چه بسیار زندگی‌هایی که به دلیل همین دوستی‌های خیابانی نابود می‌شود. مردان و زنان متاهلی که دور از چشم همسر خود با فرد دیگری آشنا می‌شوند و خیانت می‌کنند و چه بسیار افرادی که بر سر روابط تاریک ضربه می‌خورند، می‌کشند و کشته می‌شوند. برخی دختران یک شبه پسر مورد علاقه را همه زندگی خود می‌دانند، بدون این که او را بشناسند و از نیت شوم او مطلع باشند. در ادامه پرونده قتلی با همین عنوان را خواهید خواند. خودش را امیر معرفی کرد. 24 سال دارد و به دلیل قتل همسرش در زندان است. داستان از جایی شروع شد که در خیابان به زن جوانی متلک انداخته بود. زن جوان امیر را نگاه می‌کند و با یک لب‌خند جوابش را می‌دهد. امیر که حس کرده بود زن جوان بی‌میل به دوستی با او نیست شماره‌اش را به او می‌دهد تا در تماس باشند.

زن بزودی با امیر تماس گرفت و خود را معرفی کرد. آنها در مدت بسیار کوتاه با هم صمیمی می‌شوند و به ازدواج فکر می‌کنند، اما مشکلاتی برسر راهشان بود که آنها باید با آن دست و پنجه نرم می‌کردند. زن جوان یک زن مطلقه و یک سال هم از امیر بزرگ‌تر بود. خانواده امیر با این موضوع مخالفت می‌کردند به همین دلیل او دور از چشم خانواده پیشنهاد زن را برای ازدواج قبول می‌کند و می‌خواهد که او را به عقد موقت خود دریاورد.

خودش در این باره گفت: به محضر که رفتیم او از من خواست صیغه عقد دائم جاری شود و با ترفندی من را راضی کرد. سر عقد با آه و ناله خواست لااقل 14 سکه مهرش کنم تا جلوی خانواده‌اش خجالت نکشد. من هم قبول کردم. مدتی گذشت و خانواده‌ام که از این موضوع باخبر شدند من را دعوا کردند، اما دیگر کار از کار گذشته بود. من برای او خانه‌ای اجاره کرده بودم و خودم پیش خانواده‌ام زندگی می‌کردم. او بعد از مدتی بهانه گرفت و گفت باید در شناسنامه‌ام اسمش را ثبت کنم. به او گفتم دلیلی برای این کار وجود ندارد، اما او گفت که بین ما عقد دائم خوانده شده و من باید این کار را بکنم. از همان زمان دعوای ما شکل گرفت. دعوا و درگیری وجود داشت. بعد از مدتی هم صیغه‌نامه را پاره کرد و یک صیغه‌نامه جعلی درست کرد که در آن مقدار سکه‌های مهریه سرسام آور بود. او مدام دعوا می‌کرد و حتی چند بار هم خودش به من گفت با دیگران رابطه دارد تا من را تحریک کند. باورم نشد تا این که یک بار خودم او را با یک مرد غریبه در خیابان دیدم. وقتی به خانه آمد مثل همیشه ایراد و بهانه گرفت و دعوا کردیم. او دسته جارو را برداشت تا به من حمله کند. من هم او را هل دادم و سرش به پله نزدیک حمام خورد. در همان لحظه یاد تصویر او در کنار مرد غریبه افتادم و شال سرش را دور گردنش پیچاندم و آن‌قدر نگهداشتم تا مطمئن شدم دیگر نفس نمی‌کشد.

در جامعه کنونی می‌بینیم که شکل و ماهیت این روابط تغییر زیادی کرده، ولی همچنان هستند کسانی که از این دوستی‌ها بشدت ضربه می‌خورند. درباره این تغییرات و روابط، دکتر مریم یوسفی، جامعه‌شناس معتقد است، دوستی خیابانی دوستی‌هایی است که در خیابان شروع می‌شود، شکل می‌گیرد و در بیشتر مواقع در همان خیابان هم به پایان می‌رسد. نحوه شروع این دوستی‌ها با گذشته تفاوت‌هایی پیدا کرده است. جامعه کنونی ما جامعه‌ای با ارتباطات فراوان و باز است. دیگر یک پسر برای دوست شدن با یک دختر لازم نیست روزها سر راه دختر بنشیند و منتظر بماند تا دختر جوابش را بدهد. حالا دیگر با وجود شبکه‌های اجتماعی و آزادتر شدن روابط بین افراد، جوانان در همین شبکه‌ها با هم آشنا می‌شوند و دوستی‌ها آغاز می‌شود که این دوستی به دیدارهایی در خیابان کشیده می‌شود. اسم این نوع دوستی را به چالش نکشیم. دوستی خیابانی همان هست که از قدیم بوده و هست و خواهد بود. نمی‌شود همه این دوستی‌ها را هم نهی کرد و گفت عاقبت بدی دارد. خیلی از همین آشنایی‌ها به ازدواج‌های موفق ختم می‌شوند، اما بسیاری از آنها هم به اتفاقات غیر قابل جبران می‌رسند. وی ادامه می‌دهد: تا حدود ده سال قبل این دوستی‌ها در جامعه تابو بود و این مساله یک اشتباه بزرگ و حتی نابخشودنی از طرف خانواده‌ها به حساب می‌آمد، ولی حالا دیگر

همه چیز فرق کرده است. حساسیت‌های والدین بر این روابط کمتر شده است. اگر والدین حساسیت‌های بی‌مورد نشان بدهند ممکن است فرزند به جای گوش دادن به حرف آنها و قطع رابطه با دوستان نادرست، بیشتر به کار خود اصرار بورزد و این رابطه را هم از دیگران مخفی کند. در آن زمان است که یک رابطه قابل کنترل ممکن است به یک مشکل بزرگ تبدیل شود. این دوستی‌ها از قدیم بوده و در آینده هم خواهد بود، نه فقط در جامعه ما که در همه جوامع چه جهان

اولی و دومی یا جهان سومی، فرقی ندارد. دختر و پسر در دوره‌ای از رشد خود به سمت هم کشیده می‌شوند. این کاملاً طبیعی است. ما نمی‌توانیم به خواست خود همه چیز را تغییر بدهیم و آن جور که می‌خواهیم از نو بسازیم. پس باید آن را به سمت درست کنترل کنیم. کنترل

این روابط هم فقط از راه دوستی با فرزندانمان صورت می‌گیرد. این استاد دانشگاه درباره نقش والدین در پیشگیری می‌گوید: بعضی افراد فکر می‌کنند هر کسی در خیابان است یک دام برای فرزندشان به حساب می‌آید. بعضی هم آنقدر بی‌خیال هستند که فرزند خود را در خیابان رها می‌کنند و کاری به روابط او ندارند. رفتار والدین باید حساب شده باشد. آنها در عین رفاقت با فرزندان خود باید جذبه خود را هم حفظ کنند. فرزند باید از پدر و مادر هم بترسد و هم روی آنها حساب کند. باید بدانند پشتوانه‌ای به نام خانواده دارد. اگر این‌گونه باشد تمام حرف‌هایش را به پدر و مادر خود می‌زند. اگر از جنس مخالف خود خوشش بیاید با والدین در میان می‌گذارد. این اطلاع والدین حتی می‌تواند روابط دوستی دختر و پسر را در چارچوب قرار بدهد. یک پسر اگر بداند خانواده دختر در جریان روابط آنها هستند به خود اجازه خیلی کارها را نمی‌دهد حتی برای جلب نظر پدر و مادر دختر، به فرزندشان بیشتر هم احترام می‌گذارد و در صورتی که فقط قصدش ازدواج باشد با هدف ازدواج گام وسط می‌گذارد و تاکیدش اطلاع خانواده‌ها خواهد بود.

کاش همه والدین به این درک عمیق برسند که فرزندشان عشق و محبت می‌خواهد. سختگیری را همه بلدند کاش بتوانیم دوستان تاثیرگذاری برای فرزندانمان باشیم. این‌گونه است که می‌توانیم آنها را از خیلی خطرهای در امان نگهداریم.

وقتی روابط دوستانه باشد، فرزند دنبال جنس مخالف در خیابان برای هم‌صحبتی نمی‌گردد.

دوستی‌های اینترنتی در سنین بالا مخرب‌تر است
دکتر شبنم نداف، روان‌شناس و مشاور خانواده درباره آثار مخرب این دوستی‌ها در اینترنت می‌گوید: بسیاری افراد فکر می‌کنند آثار و صدمات روحی و جسمی دوستی‌های خیابانی فقط به زنان وارد می‌شود، اما این موضوع صددرصد اشتباه است. در این روابط مردان هم به اندازه زنان شکست می‌خورند و آسیب می‌بینند. حتی بسیاری از زنان هستند که با هدف گرفتن مهریه یا باج و... وارد زندگی مردان می‌شوند و از راه همین ارتباطات خیابانی و اینترنتی طعمه خود را پیدا می‌کنند. وی همچنین درباره آسیب‌هایی که از طریق مردان به زنان وارد می‌شود گفت: زنان به دلیل این که جنس لطیف و شکننده‌تری دارند اثرات منفی از هر رابطه را بیشتر نمایان می‌کنند. البته گاه اشتباهاتی هم می‌کنند که دیگر جبران‌ناپذیر است و آینده آنها را به خطر می‌اندازد. به طور مثال دختری که با تمام وجود به یک پسر اعتماد می‌کند و از این اعتماد ضربه می‌خورد، دیگر تا آخر عمر نمی‌تواند به مردان دیگر اعتماد کند.

این روان‌شناس ادامه داد: این دوستی‌ها شاید در مواقعی ضررآور نباشد، اما اوج فاجعه این دوستی زمانی است که به خیانت ختم می‌شود. زن و مرد متاهلی که از زندگی خود راضی نیست به دنبال رضایت از زندگی خود در خیابان‌ها می‌گردد. مرد از نظر عاطفی در خانه حمایت نمی‌شود. در جامعه می‌رود و می‌بیند که زنان دیگر راحت‌تر با او ارتباط برقرار می‌کنند و او را با اهمیت می‌دانند. او از زندگی خودش دست می‌کشد و به دنبال این زنان در خیابان می‌رود و روابط پنهانی را آغاز می‌کند. ابتدا برایش شیرین است اما بعد از مدتی می‌فهمد در مه‌لکه‌ای افتاده که بسختی می‌تواند خود را بیرون بکشد.

نداف درباره خطرات این روابط در سنین مختلف گفت: در سنین پایین این روابط خطرناک اما قابل کنترل است. پدر و مادرها روابط فرزندان خود را می‌بینند و با رفتار صحیح می‌توانند آن را کنترل کنند، اما آسیب‌های این روابط در بزرگسالی بشدت مخرب خواهد بود. فرد در سنین بالا خود را عالم می‌داند و مشورت با کسی را قبول نمی‌کند. ضربه‌ای هم که می‌بیند ممکن است به اندازه خراب شدن تمام زندگی‌اش سهمگین باشد. در سنین بالا احساسات شدیدتر است و به همان اندازه اعمال هم محکم‌تر. پس ممکن است این روابط به صدمات جانی و قتل هم بینجامد.

کوچ مجرمان به شبکه‌های اجتماعی
در اینترنت با هم آشنا شدند. پسر جوان خود را مهندس و مدیر یک شرکت خصوصی معرفی کرد. هر روز با هم در ارتباط بودند. کم کم لیلا دلبسته سینا شد. سینا هم از علاقه‌اش به لیلا می‌گفت و این که بزودی به خواستگاری‌اش می‌آید. دو ماه گذشت تا این که سینا ادعا کرد با خانواده‌اش درباره لیلا صحبت کرده و مادرش می‌خواهد او را ببیند. روز قرار فرا رسید و سینا به دنبال دختر 16 ساله رفت. در مسیر لیلا استرس داشت که چگونه با مادرشوهر آینده‌اش صحبت کند. حواسش به اطراف نبود و زمانی که به خودش آمد، خودرو مقابل باغی توقف کرد. ترس به جانش افتاد، اما دیر شده بود. وارد باغ که شدند دو پسر جوان به جای مادر سینا منتظرش بودند. خواست فرار کند، اما آنها به طرفش حمله‌ور شدند

و....
در سال‌های اخیر با گسترش شبکه‌های اجتماعی دوستی‌های خیابانی جای خود را به دوستی‌های اینترنتی داده است که سرانجامی جز هتک حیثیت، اخاذی، تجاوز و قتل ندارند. مجرمان هنگام معرفی خود، مهندس و دکتر با وضع مالی خوب می‌شوند و گاهی عکس‌های پروفایلشان دزدی و متعلق به افراد دیگر است. سرهنگ علی نیک‌نفس سرپرست معاونت تشخیص و پیشگیری پلیس فتا درباره دوستی‌های اینترنتی می‌گوید: دلبستگی‌های به‌وجود آمده در دوستی‌های اینترنتی در درازمدت ممکن است باعث سوءاستفاده افراد فرصت‌طلب شود و در تجربه این دوستی‌ها، فرصتی برای انتخاب و شناخت صحیح دختر و پسر از یکدیگر به وجود نمی‌آید. افراد در این‌گونه

دوستی‌ها فقط ادعا می‌کنند ارتباطشان با انگیزه ازدواج است و این رابطه بیشتر بر عشق‌ورزی کور استوار است. دوستی‌های اینترنتی نه تنها مشکلی را برای پسران و دختران حل نمی‌کند، بلکه اگر هم این روابط به ازدواج بینجامد، در زندگی مشترک سوءظن و بی‌اعتمادی را برای دو طرف به همراه دارد. عمر این دوستی‌ها بسیار کوتاه است و آنچه در پی آن باقی می‌ماند تعارض فکری و احساسی دختران و پسران و از دست دادن اعتماد به نفس و به وجود آمدن بدبینی بین آنهاست. برای پیشگیری از چنین آسیب‌هایی خانواده‌ها باید به نقش حیاتی خود در برابر فرزندان آگاه شوند تا بتوانند الگوهای صحیح رفتاری را به فرزندان ارائه دهند و آنها را در برابر آسیب‌های اجتماعی واکسینه کنند.

غزاله مالکی
جام‌جم